



لئون تر پطروسیان: ترکیه، صرفاً با حمایت نمایشی خود از باکو، امیدهای بزرگی در جمهوری آذربایجان شکل داده و این کشور را از دستیابی به تفاهم بازداشته است.

لئون تر پطروسیان، رییس جمهوری پیشین و رییس حزب مخالف «کنگره ملی ارمنستان» اعلام کرد این حزب در انتخابات پارلمانی آتی ارمنستان با شعار «صلح، آشتی و همسایگی مهربانانه» شرکت خواهد کرد.

به گزارش آران نیوز: پایگاه اینترنتی «ویرتوالاد» جمهوری آذربایجان به نقل از روزنامه «آراوت» ارمنستان، متن کامل سخنرانی لئون تر پطروسیان در کنگره سراسری حزب «کنگره ملی ارمنستان» را منتشر کرد.

ویرتوالاد نوشت این سخنرانی، از مقاله «جنگ یا صلح؟» لئون تر پطروسیان در روزنامه «نزاویسمایا گازتا» در سال 1997 که منجر به سرنگونی وی از ریاست جمهوری ارمنستان شد، کم اهمیت تر نیست.

لئون تر پطروسیان در این سخنرانی گفت: «تمامی بلایا و وضعیت دشوار اجتماعی ارمنستان، فقر اهالی، مهاجرت گسترده، ضعف تسلیحاتی ارتش، نقض دموکراسی و حقوق بشر، ریشه در فساد مالی حاکمیت دارد. ثروت ملی کشور از طرف مقامات دولتی در حال غارت است.»

لئون تر پطروسیان در خصوص وضعیت موجود مناقشه قره باغ گفت: «ما می توانستیم این مساله را 18 سال قبل در زمانی که قوی تر بودیم، حل کنیم. اما، اکنون در شرایطی بسیار ضعیف تر مجبور به حل آن هستیم. در صورتی که بیشتر صبر کنیم، به شرایط دشوارتری دچار خواهیم شد.»

لئون تر پطروسیان افزود: «تصور می شد که نتایج بحران اقتصادی سال 2008، روند مهاجرت و خطرناک شدن سطح بدهی خارجی و بخصوص تنش هایی که بعد از جنگ ماه آوریل گذشته (درگیری ماه آوریل گذشته جمهوری آذربایجان با ارمنستان از اطراف قره باغ) حکومت ارمنستان را بیدار خواهد کرد و دولت را مجبور خواهد کرد که سیاست مخرب کنونی را به یک استراتژی کاملاً متفاوت تغییر دهد. اما، وقتی به واکنش های رژیم موجود نگاه می کنیم، مایوس می شود.»

لئون تر پطروسیان با انتقاد از راهبرد حکومت جدید ارمنستان با نام «ملت - ارتش» گفت: «نخستین نوع از این راهبرد در تاریخ دنیا، در مغولستان از طرف چنگیزخان به اجرا در آمد و چنگیزخان با تشکیل ارتشی قوی و احضار تمامی مردان به ارتش، قبایل مغول را متحد کرد و مغول ها توانستند اراضی به وسعت 200 برابر سرزمین خود را از اقیانوس آرام تا لهستان و آناتولی فتح کنند. اما، با این وجود، این امپراطوری عظیم فقط توانست 50 - 60 سال دوام بیاورد.»

لئون تر پطروسیان افزود: «دومین مورد از این راهبرد در سوئیس اجرا شد که برخلاف مغول ها که برای کشورگشایی از راهبرد «ملت - ارتش» استفاده می کردند، سوئیس از این راهبرد برای حفظ خود در مقابل مهاجمان فرانسوی، آلمانی و اطریشی طی پانصد سال از 1291 تا 1815 استفاده می کرد و در این دوره، سوئیس ها تشکیل ارتش جنگجو را مهم ترین وظیفه خود می دانستند. گرچه طی دو بیست سال اخیر، سوئیس به عنوان کشور بی طرف، با تهدیدات خارجی مواجه نشده است و از جنگ ها در امان مانده است، اما هنوز هم داشتن ارتش قوی، نقطه اتکای اصلی سوئیس هاست و شهروندان این کشور از 18 سالگی تا 50 سالگی به خدمت نظام وظیفه فراخوانده می شوند و سوئیس از نظر شمار نظامیان به نسبت جمعیت، نظامی ترین کشور دنیا است و بخاطر آمادگی لازم، در صورت نیاز می تواند شمار نظامیان را ده ها برابر افزایش دهد.»

رییس جمهوری پیشین ارمنستان افزود: «سومین نمونه از راهبرد «ملت - ارتش» نیز به اسرائیل تعلق دارد. به علت اینکه ارمنستان در راهبرد «ملت - ارتش» از الگوی اسرائیل نمونه برداری کرده است، باید به این الگو توجه بیشتری داشت. علت تشکیل «ملت - ارتش» اسرائیل، چندان هم از علل تشکیل «ملت - ارتش» سوئیس متفاوت نیست و بخاطر قرار داشتن در محاصره دولت های دشمن، ایجاد شده است. در اسرائیل، خدمت نظام وظیفه، هم برای مردان و هم برای زنان اجباری است. طی شصت سال گذشته، از میان هشت نخست وزیر اسرائیل، سه نفرشان (رابین، شارون و ایهود باراک) ژنرال بوده اند.»

لئون تر پطروسیان افزود: «در خصوص راهبرد «ملت - ارتش» ارمنستان نیز باید به این سوالات پاسخ داده شود که علت ارایه این برنامه چیست؟، برای حل کدام مشکلات ایجاد شده است و برای اجرای آن، چه منابعی موجود است؟ برخلاف اسرائیل که از زمان اعلام استقلال، جمعیت خود را از 600 هزار نفر به هفت میلیون نفر رسانده است، جمعیت ارمنستان از زمان زلزله سال 1988 و پس از فروپاشی شوروی، بطور دائم در حال کاهش است و هم اکنون نیز این روند بدون توقف ادامه دارد. حکومت در مورد منابع انسانی، به دیاسپورا ارمنی چشمداشت زیادی دارد. اما، این انتظار، توهمی بیش نیست. باید به یاد آورد که در جنگ های سه ساله (قره باغ) در ابتدای دهه 1990، فقط دوازده نفر از جمعیت دیاسپورا شرکت کردند. کمبود منابع مادی نیز بسیار غم بارتر از منابع انسانی است. اقتصاد ارمنستان پس از روند توسعه سال های 1994 تا 2008، به شدت عقب گرد کرده است و هیچ چشم انداز سالمی ندارد. مقامات دولتی به غارت ثروت های ملی مشغولند.»

لئون تر پطروسیان افزود: «در راهبرد «ارتش - ملت»، تجارب مغولستان و سوئیس به گذشته تاریخی تعلق دارد و اکنون منتفی است. در ایجاد «ارتش - ملت» وضعیت ارمنستان با وضعیت اسرائیل قابل مقایسه است. اما، برخلاف اسرائیل، ارمنستان از طرف تمامی اعضای سازمان ملل بجز پاکستان، به رسمیت شناخته شده است. از میان کشورهای همسایه نیز فقط جمهوری آذربایجان و ترکیه با ارمنستان، مناسبات دیپلماتیک ندارند. وضعیت ارمنستان با اسرائیل متفاوت است و برطرف کردن تعارض با جمهوری آذربایجان و ترکیه و برقراری مناسبات همسایگی مهربانانه با آنها نیز صرفاً وابسته به حل یک مساله، یعنی مناقشه

قره باغ است. باید توجه داشت که ترکیه نیز برغم حمایت بی قید و شرط از جمهوری آذربایجان، بجز محاصره ارمنستان، هیچ حرکت خصمانه ای مرتکب نشده و مانع از گسترش اراضی قره باغ نشده است. ترکیه، صرفاً با حمایت نمایی خود از باکو، امیدهای بزرگی در جمهوری آذربایجان شکل داده و این کشور را از دستیابی به تفاهم بازداشته است. اگر ترکیه، بی طرفی اتخاذ می کرد و جمهوری آذربایجان را به خودداری از تفاهم هل نمی داد، این کشور بعد از ناحیه «کلبجر»، پنج ناحیه دیگر را نیز از دست نمی داد. دخالت مخرب ترکیه، مناقشه قره باغ را کاهش نداد، بلکه بر وخامت اوضاع افزود. برغم تمامی این ها، ارمنستان، از بسیاری از تهدیداتی را که اسرائیل با آن مواجه بوده، آسوده است. بنابراین، ارمنستان ضمن تقویت ارتش ملی خود، نباید از الگوی اسرائیل در راهبرد «ملت - ارتش» پیروی کند. طرح «ملت - ارتش» از شعارهای میان تهی حاکمیت در آستانه انتخابات است و برای باقی نگه داشتن وضعیت موجود مناقشه قره باغ استفاده می شود. به عبارت دیگر، رژیم موجود از 18 سال تجربه تلخ، درس عبرت نگرفته و می خواهد به سیاست رویارویی ابدی با ترکیه و جمهوری آذربایجان ادامه دهد. اما، این سیاست، زبان های بزرگ اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و معنوی - روانی برای ارمنستان و قره باغ به بار آورده است. «

لئون تر پطروسیان افزود : « اکنون یک وظیفه داریم و آن هم حل مناقشه قره باغ است و پس از آن، مناسبات ارمنی - ترک به خودی خود تنظیم خواهد شد. امروز، پیشنهاد صلحی که بر روی میز مذاکرات قرار دارد، با پیشنهاد سال 1997 یکسان است: اعطای وضعیت حقوقی انتقالی و به رسمیت شناخته شده در سطح بین المللی به قره باغ و در مقابل آن، بازگرداندن برخی از اراضی (به جمهوری آذربایجان) و باقی نگه داشتن تعیین وضعیت نهایی قره باغ برای آینده و نهایتاً استقرار نیروهای صلح بانی.»

لئون تر پطروسیان افزود : « صرفاً دولت های بزرگ قادرند مناقشات را از طریق غیرصلح آمیز حل کنند. کسانی که این قاعده را درک نکنند، همانند صدام حسین، هم خود و هم کشورشان را نابود می کنند. مناقشه قره باغ را در سال 1998 می شد با شرایط به صرفه تری حل کرد. اما، تغییر حاکمیت ارمنستان در سال 1998، نتایج نابودکننده ای برجای گذاشته است. امروز نباید فرصت شکل گرفته برای حل مناقشه قره باغ را از دست داد. حزب «کنگره ملی ارمنستان» باید با برنامه حل مناقشه قره باغ و حل اختلاف با ترکیه، وارد روند انتخابات پارلمانی شود و در صورت کسب رای بالا در انتخابات پارلمانی می توان این برنامه را اجرا کرد. اما، تا سال 2018، نظام ریاست جمهوری در ارمنستان موجود خواهد بود. به همین علت، مسئولیت حل مناقشه قره باغ، برای یک سال و نیم دیگر به عهده سرژ سرکیسیان و حزب او خواهد بود. «